

متن مجری میلاد حضرت علی (۱) | آقای صحنه

متن دعوت از قاری

از دریا می پرسم، از تلاطم امواج، از ساحل و از سنگ، از صخره و از کوه، از سبزه و گندم، از سنبل و بلبل، وز تو و از خود، که این ساحل زیبا و این بلبل شیدا و آن ماه دل افروز که روشنگر شب هاست و زیباست که آراست؟

و به گوش دل می شنوم که زمین و زمان، به یک سخن می گویند: «او آفریده است ما را، خدایی که جمیل است و دوست داره جمال...» پس گوش دل می دهیم به کلامش قرآن.

دعوت بفرمایید از قاری ارزشمند قرآن کریم، برادر عزیزم جناب آقای با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد.

آغاز کلام

إِلَهِیْ کَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا، وَكَفَى بِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا، أَنْتَ كَمَا أَحِبُّ فَأَجْعَلْنِي كَمَا تُحِبُّ. معبودم مرا این عزّت بس است که بنده تو باشم و برایم این افتخار کافی است که تو پروردگار من باشی، تو آنچنانی که دوست دارم، مرا هم چنان کن که دوست داری.

(از مناجات منظوم حضرت علی علیه السلام)

بسم الله العلی العالی الاعلی

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم. حمد و سپاس خدایی را سزاست که به داستان پرمهر پدر برکت و به آغوش لطیف او امنیت ارزانی داشت.

سلام و درود بر نبی مکرم اسلام، حضرت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله وسلم) و بر برادر و جانشین او، مولی الموحدين، امام المتقين، یعسوب الدین، سید الوصیین، حضرت امیرالمومنین، علی بن ابی طالب (علیه السلام). و نیز با سلام و درود بر پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء).

همراهان، دوستان، یاران؛ درود و سلامتان باد. اینجانب مسعود پایمرد فرارسیدن سالروز میلاد باسعادت حضرت علی (ع) و روز پدر را خدمت شما و تمامی پدران و مردان این سرزمین، و نیز تمام دوستداران آن حضرت در سرتاسر جهان تبریک و تهنیت عرض می کنم.

خدای متعال را شاکرم که توفیق خدمت به شما دوستان را در این روز عزیز به من عطا فرمود. عرض خیرمقدم و شادباش دارم محضر ارزشمند (اسامی میهمانان برنامه را ذکر کنید) و نیز همهی شما عزیزان و دوستان که با قدوم سبز و وجود با صفای خود مجلس ما را آراسته اید.

میان برنامه (شعر در مدح حضرت علی):

مولای ما نمونه‌ی دیگر نداشته است
اعجاز خلقت است و برابر نداشته است
سوگند می خورم که نبی، شهر علم بود
شهری که جز علی در دیگر نداشته است

طوری ز چارچوب در قلعه کنده است
انگار قلعه هیچ زمان در نداشته است
یا غیر لافتی صفتی در خورش نبود
یا جبرئیل واژه‌ی بهتر نداشته است
«سید حمیدرضا برقی»

متن مجری میلاد حضرت علی (۱) | آقای صحنه

میان برنامه (شعر در مدح حضرت علی):

رود است علی ، پاک و زلال است و روان
کوه است علی که استوار است و گران

من رود ندیده ام چنین پابر جا
من کوه ندیده ام چنین در جریان

«میلاد عرفان پور»

میان برنامه (شعر در مدح امیرالمومنین):

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را
که به ماسوا فکندی همه سایه‌ی هما را

دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین
به علی شناختم به خدا قسم خدا را

برو ای گدای مسکین در خانه‌ی علی زن
که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

«شهریار»

میان برنامه (شعر مدح حضرت علی):

تا صورت پیوند جهان بود، علی بود
تا نقش زمین بود و زمان بود، علی بود

شاهی که ولی بود و وصی بود، علی بود
سلطان سخا و کرم و جود، علی بود

آن لحمك لحمی بشنو تا که بدانی
آن یار که او نفس نبی بود، علی بود

آن شاه سرافراز که اندر شب معراج
با احمد مختار یکی بود، علی بود

این کفر نباشد، سخن کفر نه این است
تا هست، علی باشد و تا بود، علی بود
«مولانا جلال‌الدین محمد بلخی»

میان برنامه (متن ادبی در ستایش پدر):

پدر جان:

نگاهت معنویت،

وقارت انسانیت،

صلابتت حرکت،

طمأنینه ات تفکر

و بیانت عروج می بخشد.

تو را می ستایم و دستان پرمهرت را می فشارم.

روزت مبارک!

دلت شاد و لب‌ت خندان بماند

برایت عمر جاویدان بماند

خدارا می‌دهم سوگند بر عشق

هر آن خواهی برایت آن بماند

تنت سالم ، سرایت سبز باشد

برایت زندگی آسان بماند

میان برنامه (شعر در مدح امیرالمومنین):

امیرالحق، امیرالعشق، امیرالمومنینی تو
خدایی یا بشر؟ حیدر! نه آنی تو، نه اینی تو

زبان شاعرانت می‌شوم، میپرسم از خالق
چگونه آفریدت؟ کاین چنین شورآفرینی تو

مع‌الحقی و وجه‌الله، نورالله و عین‌الله

چه می‌ماند دگر از حق؟ همین ست او همینی تو

«قاسم صرافان»

متن مجری میلاد حضرت علی (۱) | آقای صحنه

آکنده از شعر و شعور و سپهر اقبال‌تان سرشار از
سرور و سروری و سَرم‌دی. شادمان و شایگان
باشید. به شوق دیدار، خدا نگهدار.
یادداشت‌ها:

میان برنامه (شعر در ستایش پدر):

ای پدر ای با دل من همنشین
ای صمیمی، ای بر انگشتر نگین

ای پدر بوی شقایق می‌دهی
عاشقی را یاد عاشق می‌دهی

با تو سبزم، گل بهارم ای پدر
هر چه دارم از تو دارم ای پدر
«مسعود هوشمند»

با دستان گرم و پرمهرتان، پدران عزیز و دوست
داشتنی‌تان را جانانه تشویق کنید.

حسن ختام

پدر! ای عصاره‌ی هستی، ای خون گرم نشاط در
رگ‌های حیات، دستان گرم‌ت را می‌فشارم و برایت،
از آفریننده‌ی مهربان دلی شاد و لبی خندان، و
صحت و سلامت و عافیت مسألت دارم.

صفحه صفحه‌ی روزگارتان منقش به نام نامی
عشق، عشقتان مشحون از شور و شرف، شرفتان